

حُبَابِ خَوَاب

مجموعه اشعار

اصغر بسنج



نشر دیباجه

سرشناسه: بسنج، اصغر، ۱۳۳۱-

عنوان و نام پدیدآور: حباب خواب: مجموعه اشعار / اصغر بسنج.

مشخصات نشر: کرمانشاه: دیپاچه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۵-۵۳-۷۶۱۷-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

-- Persian poetry ۲۰th century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۵

رده بندی دیویی: ۶۲/۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۰۸۰۲۲



حباب خواب

اصغر بسنج

طراح جلد: فرناز بهرامی

ویراستار: همت علی اکرادی

حروف نگار و صفحه آراء: سهیلا صیادپور

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

۴۰۰۰۰ تومان

این کتاب با استفاده از منبع مالی صندوق فرهنگی انجمن ادبی نقد حال

استان کرمانشاه به چاپ رسیده است.

فهرست

۷	۱ - جشن شقایق
۸	۲ - گلبانگ قناری
۱۰	۳ - سیه خاک کویر
۱۱	۴ - هیچکس بر من نگرید
۱۳	۵ - چلچراغ آفتاب
۱۵	۶ - آیه‌ی عشق
۱۷	۷ - تندر نگاه
۱۸	۸ - افترا
۱۹	۹ - سفر خوش
۲۱	۱۰ - اشک نم نم
۲۳	۱۱ - گلغنچه‌های دفترم
۲۵	۱۲ - دختر ترسا
۲۷	۱۳ - خواب دیدم
۲۹	۱۴ - عطر شب بویت
۳۱	۱۵ - دل آزاری
۳۳	۱۶ - نی لبک
۳۵	۱۷ - دل شکسته
۳۷	۱۸ - یاغی
۳۹	۱۹ - جنگل بر بهار
۴۱	۲۰ - مرد شب
۴۳	۲۱ - اسیر موی تو هرگز
۴۵	۲۲ - مرگ اساطیری
۴۷	۲۳ - غزلبانوی مهتاب

- ۲۴ - طالع تازه ۴۹
- ۲۵ - گویی غریب اینجا ۵۱
- ۲۶ - گنج مینا ۵۳
- ۲۷ - آواره‌ی بی‌خانه ۵۵
- ۲۸ - عطر دروغ ۵۷
- ۲۹ - یک لحظه دیدار ۵۹
- ۳۰ - دریاب عاشقت را ۶۱
- ۳۱ - بی‌خیالی پیشه کن ۶۳
- ۳۲ - دفتر بی‌طاقتی ۶۶
- ۳۳ - غمگین‌ترین شعر خدا ۶۸
- ۳۴ - آدرس بیهوده ۷۰
- ۳۵ - هر پگاهی بعد تو ۷۲
- ۳۶ - در طواف‌اش دل ۷۴
- ۳۷ - صدای پا ۷۶
- ۳۸ - حباب خواب ۷۸
- ۳۹ - همنام یارم ۸۰
- ۴۰ - جغد غم ۸۲
- ۴۱ - بی‌ادعا ۸۴
- ۴۲ - بانگ عزا ۸۶
- ۴۳ - عقاب خسته ۸۷

رباعی ۱۱۷ - ۸۹

شب تنهایی ۱۱۸

بنام خداوند جان و خرد

مقدمه:

بالاخره در پیرانه‌سری و در دل این روزگار که قاتلی بیرحم و نامریی بنام کرونا بر سرتاسر جهان سایه افکنده و هر روز اخبار متفاوتی از میزان مرگ و میر ناشی از این بیماری خوفناک بگوش می‌رسد، خداوند یگانه حقیر را در مقابل پیشنهاد و خواست دوستان و آشنایان و بستگان که از سال‌های دور از من در مورد چاپ کتاب می‌پرسیدند و در این رابطه تشویقم می‌کردند و غافل از اینکه من بیش از یک دهه از شعر و شاعری دور و اکثر اشعار دهه‌ی پنجاه من بر اثر اتفاقی سهوی به خاکستر مبدل گردیده و همین مسائل بر روح و روانم اثر سوء و بیزاری از شعر و شاعری را قلم زد.

تا اینکه در سال ۱۳۷۳ و شروعی تازه با تشویق و ترغیب دوست فرهیخته و عزیزم جناب ابراهیم پویا خون شاعری دوباره در رگ‌های من جوشیده و بعد از سال‌های متمادی به انجمن ادبی نقدحال رسیده و به تحصیل شعر و ادب پرداخته و خارج از انجمن هم‌اره و در اکثر اوقات بحضور دوست عزیز و شاعر گرانمایه جناب استاد اسکندر آزادی رسیده و در پوشش دامنه به سمت و سوی

قله‌ی شعر و ادب از استاد آزادی مدد و یاری گرفته و ایشان در این
 اواخر علیرغم کسالت و بیماری هیچگاه ابراز خستگی ننموده و هر روز
 با استقبال و رویی گشاده‌تر از دیروز پذیرای اینجانب بوده و می‌باشند.
 و اما کلام نهایی و آخر تشکر و سپاس اینجانب از روزنامه‌ی
 وزین نقدحال، مدیریت گرانقدر و سردبیر فرهیخته و سایر اهالی قلم
 و همچنین خانواده‌ی مهرآیین و شاعر و ادب دوست نقدحال
 می‌باشد که با این تصمیم صحیح و به موقع و تشکیل صندوق همیاری
 و چاپ آثار شعرا می‌باشد، که بالاخره خواسته‌ی خودم و عزیزانی که
 قبلاً عرض کردم در مورد چاپ کتاب اشعارم اصرار زیادی داشتند
 محقق گردید و خدای را شاکرم، توانایی هرچه بیشتر نقدحالی‌های
 عزیز را از ایزد منان آرزومندم.

تشکری ویژه دارم از استاد (کرادی) همیشه رئوف و مهربان.
 در خاتمه جا دارد که از زحمات و دقت نظر سرکار خانم
 صیادپور تشکر و قدردانی بنمایم تندرست و ساعی باشند انشالله

با سپاس

اصغر بسنج